



دوره هفتم تقنینیه

<p>جلسه ۱۲۲</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۲۲</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ مطابق ۱۲ ذیحجه ۱۳۴۸</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطابجه مجلس</p>	<p>قیمت اشتراك کلیه ایران سالیانه ده تومان دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران</p>

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه بیست و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ هـ (پنجم ذی حجه ۱۳۴۸)

نهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) افتراع شب
- ۳) اعلان وصول سواد رای دیوان عالی تبریز
- ۴) شور اول لایحه بادیه ها
- ۵) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس يك شنبه ۱۴ اردیبهشت ماه را آقای موید احمدی (منشی) قرائت نمودند

- رئیس - آقای فرشی
- فرشی - قبل از دستور
- رئیس - آقای فهیمی
- فهیمی - قبل از دستور
- رئیس - آقای زوار
- زوار - بنده عرضی ندارم
- رئیس - آقای فیروز آبادی
- فیروز آبادی - قبل از دستور

این مذاکرات مشروح صدو بیست و دومین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره نته نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین که در صورت مجلس خوانده شده است: غائبین با اجازه - آقایان: حیدری - پور محسن - سید کاظم - مفتی - محمد ولی میرزا - کاشانی - همراز - لرستانی - اورنگ - طباطبائی بروجردی - رفیع - نیور تاش

غائبین بی اجازه - آقایان: امیر ابراهیمی - میرزا حسن خان وثوق - پوشهری - فولادوند - اعظم - قوام - خلیج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - بیات - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک

دیر آمدگان با اجازه - آقایان: فهیمی - انجمنی - طلوع - زوار - دهستانی - عدل - ایدی - قدوسی - طباطبائی و کلبی - ملک - ذوالقدر .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا يك كلمه نوشته بود امور حقوقیه امور حقوقی باید نوشته شود

رئیس - اصلاح ادبی است. آقای افسر

افسر - بنده در قانون بلديه عرض دارم

رئیس - آقای عدل

عدل - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظر دیگری نیست؟ (خیر)

بعضی از نمایندگان - دستور دستور

[۲ - اقتراع شعب]

رئیس - وارد دستور شویم؟ (بلی) دوره شعب

باتها رسیده است و میبایستی ما شعب جدید را انتخاب کنیم صد و چهارده نفر از وكلا حاضرند تقسیم به شش شعبه هر شعبه نوزده نفر میشود كه حالا اقتراع میکنیم [آقای مؤید احمدی (منشی) اقتراع نمودند نتیجه بطریق ذیل حاصل شد]

شعبه ۱ - آقایان : ایزدی - میرزا حسن خان ونوق بنگدار - هراز - عبدالحسین خان دبا - صادقی - فیروز آبادی - آقا زاده سبزواری - دهستانی - رحیم زاده نوبخت - شریعت زاده - ذو القدر - اسکندری - حاج غلامحسین ملك - آشتیانی - کبابی نوری - زوار - محمد حسن خان مسعودی .

شعبه ۲ - آقایان : طالش خان - سید ابراهیم ضیاء کازرونی - جلالی - ملك آرائی - کفائی - فرخی دبستانی - محمد آخوند - اعتبار - ارباب کیخسرو - فرشی - جهانشاهی - امیر ابراهیمی - احتشام زاده - حكمت - یاسائی - مجد ضیائی -

شعبه ۳ - آقایان : محمد ولي میرزا - فهیمی - طباطبائی وکیلی - خات محمد خان حبیبی - افخمی جشیدی - حاج میرزا حبیب الله امین - فولادوند -

قراگوزلو - بزرگ نیا - آقا شیخ علی مدرس - امیرحسین خان ابلخان - سید حسین آقابان - محمدعلی میرزا دولتشاهی - حاج علی اکبر امین - روحی - شیخ الملك - قاضی نوری - حاج آقا رضا رفیع - شعبه ۴ - آقایان - خواجوی - فرج الله خان آمد عامری - مرآت اسفندیاری - حاج آقا حسین رهبری - غلامحسین میرزا مسعود - امیر تیمور کلالی - میرزا حسین خان موقر - میرزایانس - ملك مدنی - تیمور ناس - آقا سید کاظم یزدی - عدل - امیردولتشاهی دکتر ظاهری - طباطبائی دبا - مصباح فاطمی - میرزا علی خان اقبال - طلوع

شعبه ۵ - آقایان : حاج سید محمود - الفت - آقا سید محمد تقی طباطبائی - قوام - سلمان خان اسدی - مؤید احمدی - عراقی - افسر - ظفری - آقا سید مرتضی ونوق - آیت الله زاده شیرازی - شهید دکتر عظیما - لاریجانی - مولوی - آقا سید یعقوب - هزار جریبی - نجومی - دشتی

شعبه ۶ - آقایان : محمد تقی خان اسعد - بلیزی - دربانی - محمود خان ناصری - حسنعلی میرزا دولتشاهی دکتر سنك - وهاب زاده - ملك زاده - مقدم - ارگانی دادگر - امین پور محسن - حمد الله بیات ماگویی - سهراب خات ساکنیان - فتوحی - دکتر لغمان - عباس میرزا فرمانفرمایان - دیوان بیکی - مجبر فرمند [۳ - اعلام وصول سواد رأی دیوان عالی نمبر]

رئیس - از آقایان نمی میشود كه هیئت زلیه شعب و کمیسیون عرایض و بتكرات را بسرعتی كه متناسب با اقدام یدش بوده است انتخاب کنند و برای استحضار مجلس عرض میکنم كه موافق ماده ۱۲ از قانون محاکمه وزراء سواد حكم تمیز دایر به محكومین شاهزاده فیروز میرزا به مجلس رسیده است . [۴ - شور اول لایحه بلديه ها]

رئیس - خبر کمیسیون داخله راجع بلديه ها مطرح است قرائت میشود :

خبر از کمیسیون داخله بمجلس شورای ملی

کمیسیون داخله لایحه نمره ۲۲۱۴۷ راجع به بلديه ها با حضور آقای وزیر داخله در جلسات متعدد مطرح و در مذاقه قرار داده و با جلب نظریه بعضی از نمایندگان كه در کمیسیون دعوت شده بودند بجه مزبور را بقرار شرح ذیل تنظیم و اینك خبر ترا تقدیم ساحت مجلس مقدس شورای ملی مینماید : ماده اول - از اول امر داد ماه سهم بلديه ها كه محل مالیات راه تأدیه میشد باستثنای مبلغی كه ماده ۲ مذکور است بر اعتبار راه سازی اضافه میشود بصره ۱ - صرفه جوئیهای سابق بلديه هر محل تا تاریخ اول مرداد ۱۳۰۹ اختصاص به بلديه همان محل خواهد داشت

نصره ۲ - صدی دو بودجه ۱۳۰۸ بلديه های ایالت كه برای اجرت مهندس بلدی تخصیص داده شده است نیز تا اول مرداد ۱۳۰۹ آنچه صرفه جوئی شود باختیار وزارت داخله گذاشته خواهد شد كه كل اجرت مهندسين را از این محل پرداخت نمایند ماده دوم - مبلغ پانصد هزار تومان در هر سال عواید مالیات راه برای تعمیرات اساسی شهر طهران مبلغ سیصد هزار تومان برای تعمیرات شهر های ایالت و ولایات تخصیص داده میشود

ماده سیم - اداره كردن امور بلدی هر محل در مورد وظایفی كه در نظام نامه مقرر خواهد شد برعهده همین و اداره بلدی همان محل است ماده چهارم - رئیس اداره بلديه كه از طرف وزارت داخله معین میشود مسئول اجرای پروگرام لایحات بلدی است كه از طرف دولت و یا از طرف همین بلدی تصویب شده باشد

ماده پنجم - انجمن بلدی هر محل از نمایندگان نمایان نهار و اصناف و مالکین (اعم از مالکین مستغلات و مالکین املاك مزروعی) آن شهر تشکیل خواهد

شد عدهٔ اعضاء انجمن بلدی در پایتخت و سایر شهر ها بر حسب مقتضیات محل از شش تا دوازده نفر خواهد بود شرایط منتخبین و منتخبین و طرز انتخاب و وظائف و مدت تصدی اعضاء انجمن و سایر وظایف آنها مطابق نظامنامه كه بتصویب کمیسیون داخله مجلس شورای ملی خواهد رسید معین خواهد گردید

ماده ۶ - مجلس شورای ملی بانجمن های بلدی اجازه میدهد كه برای تامین مصارف بلدی هر محلی از نقطه نظر نظظیفات و تعمیرات و احتیاجات صحی و معارفی بلدی عوارض محلی وضع نماید

طرز وضع عوارض مزبوره باین نحو خواهد بود كه انجمن بلديه هر محلی عوارضی را كه برای تامین مقاصد مذكوره در فوق لازم میدانند توسط رئیس بلديه محل بوزارت داخله پیشنهاد خواهد نمود و پس از تصویب هیئت دولت بموقع اجراء گذارده خواهد شد

ماده ۷ - پس از تشکیل انجمن بلدی هر محلی هر مبلغ كه از اعتبار حاصله در ظرف دو ماه باقی مانده باشد باختیار بلديه آن محل برای احتیاج بلدی گذارده خواهد شد

ماده ۸ - قانون بلديه مصوب ۱۳۲۵ ملغی است ماده ۹ - این قانون پس از تصویب بموقع اجراء گذارده میشود و قوانین دیگری كه با این قانون مبادینت دارد ملغی است

رئیس - کمیسیون بودجه ملاحظه جنبهٔ خرجی كه لایحه داشته است راپرت خودش را داده است كه قرائت میشود :

خبر کمیسیون بودجه

کمیسیون بودجه در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۰۹ با حضور آقای وزیر داخله تشکیل و خبر کمیسیون محترم داخله كه بر اثر لایحه نمره ۲۲۱۴۷ دولت راجع به تغییر قانون بلديه و انتقال اعتبار مالی مخصوص بآن راه سازی تقدیم مجلس شورای ملی شده بود مطرح نموده نسبت بمفاد ماده اول و دو بصرهٔ آن و هم چنین ماده

دوم خبر کمیسیون داخله که مربوط بخرج است بعد از مختصر مذاکره موافقت حاصل و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد رئیس - مذاکره در کلیات است. آقای فیروزآبادی فیروز آبادی - هر چند بواسطه این قضیه هائله که اتفاق افتاده است وظیفه ما این بود که مجلس را هم تعطیل کنیم بلکه هر مجلسی که بر خلاف صورت مصیبت شد تعطیل بشود حتی نمایش ها و هر چه هست مگر به نمایش حال آنها که فکری بحال آن بیچارگان بشود (رئیس - آقا در قانون صحبت کنید) ولی چون بحمد الله از طرف شخص اعلیحضرت و دولت اقدامات وافی و کافی شده است ما بهمان اکتفا میکنیم دیگر در آن موضوع سوالی نمیکند و امید وارم که حال آنها بواسطه نظریات دولت و شخص اعلیحضرت و مجلس شورای ملی بخصوص وکلای آذربایجان نسبتاً يك حال بهبودی پیدا بشود دیگر در این موضوع صحبت نمیکند چیزی که هست در این تشکیل بلديه قانونی است که حالا مطرح است عرض میکنم هر قانونی هر چیزی که در مملکت تشکیل میشود بجهت آسایش مردم است اگر يك قانونی در مملکت تشکیل بشود که خدای نخواستہ اسباب زحمت مردم باشد آن قانون بدرد مملکت نخواهد خورد در این جا بلديه قانونی بنا شده است تشکیل بشود قانونی را بنده منکر نیستم بلکه در هر مملکتی که بنا شد قانونی باشد باید تمام آموزش قانونی باشد و بر خلاف قانون خود سرانه هیچ امری در آن مملکت از جزئی و کلی صورت نگیرد و الا هرج و مرج است. حالا در این قانون چیزی که خوب است این است که خوب انجمن بلدی تشکیل میشود بانتهای خود ملت اما چیزیش که بر ضرر این ملت است به نظر بنده این است که این بلديه جدیدی که بنا شد قانونی تشکیل شود يك خرجهای فوق العاده دارد خرج آنرا مجدداً بنماید که خود ملت عهده دار شود هر چند تمام پولها مال خود ملت است بغیر از ملت بحمد الله کسی پول نمیدهد آن پولهای صد کروری یا

صد و بیست کروری که امسال تصویب شده است همه مال ملت است ما این مال را بجز مال ملت مال کسی دیگر نمیدانیم و عقیدمان همین است و عمل هم بر همین است که تا آن دینار آخر بمصرف خود ملت برسد انشاء الله هم میرسد اما اگر این بلديه قانونی که تشکیل شد بخواهد يك مالیات جدیدی بملت ببندد بنده با این عقیده موافق نیستم چرا؟ برای این که گنجایش ندارد که بر این ملت دیگر تحمیلی بشود. ملت تقدماً بر تمام چیزهای مالیات بسته شد بعضیهای مستقیم بعضیهای غیر مستقیم چرا اگر يك ملتی بودند چیزدار صاحب ثروت بودند صاحب مکتب بودند بنده عقیده ام این بود که هر چه ممکن است بدهند دولت هم بگیرد که بمصرف اصلاحات آنها برسد ولی متأسفانه همه بهتر از بنده میدانند که وضعیات ملت امروز بچه روز است در این صورت بنده موافق نیستم که این بلديه قانونی بیاید يك مالیات جدیدی بر مردم تحمیل کند مثلاً يك میلیون یا بیشتر کروری (نمیدانم چقدر بادم نیست) تخصص به بلدی میدهند از خرجی که سابق میدادند مابقی را میخواهند بر گرداند بمخارج راه سازی بنده عقیده ام این است که همان چیزی که میخواهند بر گرداند بمخارج راه سازی آنرا اگر بمصرف بلديه برسانند اهم و بهتر و نافعتر بحال ملت. ما نباید شب و روز تشویق کنیم اتومبیل آوردن و سوار شدن اتومبیل را باید يك قدری متوقف چند بفرمایند که فلاکتس مخالف اصلاحات است بنده مخالف اصلاحات نیستم اما هر اصلاحی که بضرر مملکت و مخالف صلاح ملت باشد با آن مخالفم. بنده عقیده این است که آوردن و زیاد تشویق کردن از آوردن اتومبیل و سوار شدن اتومبیل امروز بضرر این مملکت است آن چیزی که بخواهید بجهت تشویق اتومبیل سوار شدن کنید که خرج راه سازی خارج بکنید همراهِ آن باید بلديه برسانید که تحمیل جدیدی بر مردم نشود این مردم در طاقت زیاده بر این دادن را ندارند بنده باین ملاحظه در کلیات مخالفم و عرایضی هم دارم که در ماده پنجم

يك بعرض آقایان میرسانم. وزیر داخله - آقا از يك طرف اظهار موافقت نمودند اظهار خوشوقتی فرمودند که بلديه ها صورت قانونی میکند و از يك طرف در موقع عمل میفرمایند که مستلزم يك مالیات و عوائد جدیدی است و تحمیل مردم است. اگر واقعا معتقدید که باید بلديه صحیح قانونی داشته باشیم لازمه اش اینست که اهالی هر محل بکنند باین مؤسسه صحیح و بلديه خودشان و تصور هم این يك تحمیل فوق العاده باشد بر مردم و در باب که فرمودید این مالیات راه را از اینجا گرفته اند و صرف راه تخصیص بدهند این را هم تصور میکنم بلج يك توضیحات زیادی نداشته باشد خود آقا متذکر بفرمایند که امروز اهمیت راه ها در این خیل زیاد است و خیلی محل توجه است و همه هم خیلی باند سعی و کوشش بکنیم که هر چه داریم ساختمان راه ها بکنیم و وسائل ارتباطیه خودمان براب بکنیم که برای نجاتمان برای اقتصادمان برای ترقی و تمدنمان برای همه چیز مان مفید (کلزونی - اول اقدام اساسی راه است) و عقیده ام اگر در مقابل این مبلغ هم بتوانیم از يك جاهای بلدی بمصرف ساختن راه ها برسانیم هیچ قابل اعتراض نیست رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقای سید یعقوب - بنده خیلی متأسف هستم که يك عرضی را يك روز اینجا عرض کردم و آن موضوع باعث شد که زبان بنده را باید سوزاند يکروز اینجا به وزیر عرض کردم که آقا این لایحه که آوردی قانون مطابق قانون بلديه بلديه تشکیل بده لایحه اش را فوراً برداشت و آن قانونی که دوره اول بود و بایک احساسات نامی از تمام طبقات ملت نوشته بودند و در این هم ملاحظه قانون را کرده بودند و هم ملاحظه اخلاق و احوال و يك حیثیات جدیدی در مردم بود و لغ و انبساط

برای مشروطیت داشتند يك قانونی نوشتند ما گفتیم این قانون را ما داریم دلیل بر اینکه با این قدرت کامله که پادشاه ما دارند و شما حکومت میتوانید در این قدرت کامله اجرای قوانین بکنید نمیکند چیست؟! این قانون را بردارید اجرا کنید فوراً این را برداشتند گذاشتند کنار چهار تا ماده آوردند مخصوصاً در ماده آخرش قانون اساسی را هم گذاشتند کنار نوشته اند قوانینی که متباین با این قانون باشد ملغی است حالا بنده بعرض آقایان میرسانم که این قانونی که آوردند چطور قوانین را زیر پا گذاشته اند و نوشته اند هر قانونی که منافی با این قانون است ملغی است و قضاوت هم با خود اکثریت است و خود وزیر محترم عدلیه و داخله که هستند ببینند چه ترتیبی واقع شده است يك کلمه ما گفتیم آقا بحمد الله شما قدرت کامله دارید حکومت ما قدرت دارد مجلس هم مساعدت نام باشما دارد مانعی هم درین ندارید سابق که وزرای ما نمیتوانستند قانون را اجرا کنند بواسطه این بود که قوه نداشتند امروز ما میدانیم یکنه ناجی ایران رأس قوی نشسته است و اصلاحات میکند شما هم قوانین را اجرا کنید این قانون بلديه که در ۱۳۲۵ هجری قمری گذشته بود چه مانع داشت مانع آن قانون را در اینجا بیاورید بیان کنید میگویند آقا ماده اولش را نمیشود در مملکت اجرا کرد ماده دومش نمیشود ماده سومش نمیشود مجلس حاضر نبود برای اصلاحات؟! ما ها حاضر نبودیم برای کار؟! ما چه کار داریم؟! آقایانی که شد رحال کرده اند و آمده اند باینجا برای کار آمده اند. قوانین قانون بلديه را هر ماده از آن را که دیدید در این مملکت نمیشود اجرا کرد بردارید بیاورید اصلاح کنیم بکده صحت هفتاد ماده قانونی که اینهمه زحمت کشیده شد برای آن گذاشتید کنار چهار تا ماده قانون این لازم نبود بلديه نمیشود هر جا وزارت داخله مصلحت دانست هر جا مصلحت دانست هر کجا ایلخان مصلحت دانست هر کجا ایل بیکی معین میکند هر کجا فراش باشی معین میکند

آنجا بلدیہ معین کنید. این دیگر دادو قال نمیخواهد يك كلمه آقا نمیخواهد نباید حق داشته باشند اهالی شهر در معیشت وزندگانی خودشان مداخله کنند هنوز موقع نرسیده است این را بیاورید در مجلس موافق دارید صحبت میکند مخالف دارید صحبت میکند اکثریت هم حکومت میکند هر چه واقع شد میشود این اساس مطلب است موضوع دیگر اینکه بنده همیشه بخود امید واری میدادم و هنوز هم امید واری دارم و باز هم امیدوار هستم امید من از بین نرفته است که در تحت بیرق این پادشاه عادل که روز بروز در سعادت و ترقی ما میکوشد و روز بروز بر اصلاحات ما افزوده میشود همینطور بر آزادی ملت هم افزوده شود که ملت در تحت آزادی و معارف بمقامات عالیہ برسد نه اینکه در اینجا آنها را تضییق کنید بر حقوقشان (حقوقی که قانون اساسی به آنها نسبت بشهرها و آبادی شهرها داده است) اینهمه تضییق کردن بر آنها فایده ندارد هر چند این ملت بعد از آنکه یکدست توانائی میخواهد آنها را از گرداب بیک ساحل نجاتی برساند از شوق و شغف سعی و فداکاری میکنند تا خودشان را باین مقام برسانند ولی تضییق کردن بر آنها هم خوب نیست و فایده ندارد و بنده عقیده ام این بود که در تحت نظر حکومتی که این وزراء دارند روز بروز بر ترقی و آبادی و آزادی ما افزوده میشود نه اینکه روز بروز بک جاییش را قیچی بکنند شیر بی دست و سر و اشکم که دید؛ امروز بلدیہ نمیخواهیم فردا انجمن ایالتی و ولایتی نخواهیم هیچ چیز نمیخواهیم آخر این شیر بی دم و سر و اشکم شد این شیر دست نمیخواهد سر نمیخواهد شکم نمیخواهد خوب مشروطیت و قانون اساسی کدام است. همین چیزهاست دیگر بلدیہ انجمن ایالتی ولایتی. خوب با اینجور چه چیزش باقی میماند؟ قانون اساسی را بنده حالا بر میدارم ماده بماده میخوانم و تفسیر میکنم و میکوم مواردی را که این مواد مخالفت با قانون اساسی دارد در حقوق اختصاصی مجلس شورای ملی و حقوقی که در تمام دنیا (دنیا را بگردید ببینید بنده که ترقی به بینم ولی آنچه که بنده اطلاع

دارم و صحبت کردم با آلهائی که رفته اند در تمام دنیا حقوق مال مجلس شورای ملی است) قوانین مالیات و برقراریش با مجلس است از متبحرین در علم خط سؤال کردم میگویند در تمام دنیا وضع مالیات از خاندان نمایندگان ملت است فلسفه و برهان آنها اینست که مردم با این دست که مالیات خودشان را میدهند بخود بتوسط نمایندگان خودشان به بینند آیا این مالیات چه راه و چه قسم مصرف میشود بنده که چشم بیک بسته شده است بعضی از نمایندگان - صحیح است آقا سید یعقوب - بی خیلی صحیح است میفرماید صحیح است بنده میدانم همه تان ماشاءالله حاتم طائی بود و قتیکه مأمور مالیه می آید این يك پول را از من بگیرد و من هم میدهم برای چه میدهم برای اینکه میدانم من رفته است در مجلس شورای ملی نشسته است من این طرف پول میدهم از آن طرف باو حق داده اند که مطابق قانون اساسی به بیند این پول در کجا خرج میشود و چه جور مصرف میشود پس از این فلسفه است که وضع مالیات و نظیر خرج از خصائص نمایندگان ملت است و پس از این حق هم قابل انتقال نیست آقایان بعضی ایشان میفرماید چطور مجلس شورای ملی بکمسیون قوانین عدلیہ داده و او رأی میدهد آقایان بعد از آنکه مجلس تشکیل شد و کمیسیون عدلیہ را از بین خودش انتخاب کرد وزیر عدلیہ می آید آن جا و قوانین رأی آورد که میرسد و می بیند بعد رأی میدهد و میگوید که قوانین را موقتاً اجرا کن نه اینکه هنوز انجمن معین نشده نماینده بلدی معین نشده ما از برای که نمیدانیم چه جور انتخاب خواهد شد بیاییم و بدهیم آنها اختیار وضع مالیات !!! انجمنی که تشکیل چه جور انتخاب خواهد شد و چه جور تشکیل خواهد شد بگوئیم آقا بروید شما هر چه میخواهید این نشد این اساس مشروطیت است؟ این اساس ملی است؟ این دو موضوع موضوع دیگر این

که اگر مطالعه بفرمائید در این نه ماده یا ده ماده (بطور کلی عرض میکنم) که يك ماده دیگر هم این باید زیاد کرد که از نحوست خارج بشود در این ده ماده هر ماده اش يك حق اساسی بزرگی را از ما خواهد برد من برای خاطر اینکه حقوق مجلس از بین نرود عرض میکنم موافق هستم همانطور که یکی از نمایندگان گفت آن نظری که دارید و که میخواهید مالیات مستغلات وضع کنید برای بلدیہها بیاید و وضع کنید مالیات و عوارض دیگری هم میخواهید وضع کنید بیایید ما حاضریم ولی نه اینجور اختیار دادن و این را بردارید بپیرد این حقوقی که در تمام دنیا برای نمایندگان است باشد و این حق را نگیرد و آن قدری که تصور میکنید بلاد ایران محتاج بمخارج است از طهران از آذربایجان (تبریز) که شهر دوم ایران است عراق اصفهان شیراز اینها را از راه دیگر از مستغلات و چیزهای دیگر وضع مالیات بکنید ما هم رای میدهیم ولی نه این ترتیب این ترتیب را حذف کنید و بپیرد مالیات عوارض برای مخارج آنها وضع کنیم مستغلات این بلدیہ که در ۱۳۲۵ گذشته است می فرمائید بل اجرا نیست دلیلش را هم ذکر کنید که چطور بل اجرا نیست. شما که مالیات ایران را که از اول بروز بوده است الان ملاحظه بفرمائید چه قدر شده است (سی کرور چهل کرور) اینها را همه را ملت ایران میدهد الان صد و بیست کرور مالیات میدهد بنده این ملت مطیع بشما همه روزها مالیات می دهد البته برای آبادی و عمران مملکت خوب بچه دلیل يك کرور کرور برای اصلاحات بلدی شان میدهند؛ البته بنده بطریق اولی خواهند داد از روی رضا و رغبت خواهند داد ولی بشرط اینکه يك حق اساسی داخلی آنها گرفته نشود. این عرایض بنده است در کلیات اساساً با این لایحه مخالفم بعد هم يك عرایضی که ماده بماده عرض خواهم کرد قضاوت هم با

اکثریت مجلس است حالا که بیش از این حال ندارم بعد در مواد شاید حال پیدا کردم وزیر عدلیہ - نماینده محترم در برداشت صحبتشان يك اشاره کردند که حقیقه با همه اطمینانی که بنده داشتم که قطعاً ما این کار را نکرده ایم بنده در جیبی خودم خیلی یگه خوردم و احتیاط کردم. فرمودند این قانون در چند جایش قانون اساسی را زیر پا گذاشته است گفتیم ای امان عجب کاری ما کردیم و غفلتی کردیم و در عین اینکه بنده یقین داشتم که ما نیامدیم و چنین کاری را نکردیم تصور کردم ایشان الان در پشت تریبون چند ماده از قانون اساسی را در می آورند و مثل دو دوت چهارتا مدلل میکنند که این مواد مخالف اصول قانون اساسی است آقا سید یعقوب - موجود است - موجود است. رحم بهتان کردم (خنده نمایندگان) وزیر عدلیہ - این است دست بنده هم هست قانون اساسی (آقا سید یعقوب - بخدا رحم بهتان کردم) عرض کنم که ما خیال کردیم که الان ایشان آن مواد را نشان ما خواهند داد و میگویند باین دلیل شما آمده اید و مخالف قانون اساسی رفتار کرده اید و با کمال تکراری بنده دوره های قانون را خواستم و نگاه کرده چه چیزی ندیدم و تا وقتی که ایشان خلافتش را ثابت نکنند بنده عرض میکنم که ایشان يك اشتباهی کرده اند و بنده اصلاً از معلومات قانونی ایشان این انتظار را نداشتم حالا هم با هم بحث می کنیم چون مطلب مهم است و اگر معلوم شد يك قانونی و يك لایحه بر خلاف قانون اساسی ما آورده ایم که فوراً باید این قسمت را تغییر دهیم (صحیح است) عرض کنم که خودشان فرمودند چه موادی است (آقا سید یعقوب - خسته شدم بعد می آیم میگویم) ولی بنده تصور می کنم آن موادی را که قانون اساسی در خصوص مالیه نوشته است از اصل ۹۴ است تا اصل ۹۹ این چند اصل را گمان می کنم آقا

در نظر داشتند (فیروز آبادی - و اصل هیجدهم) عرض کنم که این جا می نویسد: اصل ۹۴: هیچ قسم مالیات برقرار نمیشود مگر بحکم قانون. اصل ۹۵: مواردی را که دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود اصل ۹۶ - میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با اکثریت تصویب و معین خواهد نمود این سه اصل. اصل ۹۷ - در مواد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فیما بین افراد ملت گذارده نخواهد شد این چهار اصل. اصل ۹۹ - تخفیف و معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوص است. این پنج ماده اصل ۹۸ هم میگوید: غیر از مواقعی که قانون صراحةً مستثنی میدارد بهیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی. عرض کنم خدمت تان که (آقاسید یعقوب - اصل هیجدهم راهم بخوانید) حالا جواب این قسمت ها را عرض میکنم بعد بآن اصل هم میرسیم. در اینجا ما بایستی به بینیم کدام يك از این مواد که تدوین شده مخالف بوده است با قانون اساسی. در همان قانون سابقی که بنده باز راجع بآن قانون سابق هم صحبت خواهم کرد و آقا با يك لطف مخصوص که بعد علت آن لطف آقا را هم نسبت بآن قانون عرض خواهم کرد فرمودند چرا آن قانون سابق را کنار گذاشتند در همان قانون هم این حق بانجمن های بلدی داده شده است که عوارض و اینها را معین کنند و اختصاص هم باین قانون ما ندارد در هر کجای دنیا که شما نگاه کنید از این قبیل حقوق بانجمنهای بلدی میدهند (دستی - عوارض بلدی اصلاً مالیات نیست) که عوارض بلدی وضع کنند حالا بنده میخواهم برگردم بسر مطلب تمام اینها که این جا نوشته شده است: غیر از مواقعی که صراحةً مستثنی میدارد بهیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی و بلدی و ولایتی. اساساً مالیات غیر از عوارض محلی است که از

شهر ها گرفته میشود و اینها برای آن چیز کلی است و این اصل که میگوید غیر از مواردی که قانون صراحةً معین می کند. حالا این جا يك قانون آمده است و صراحةً حق میدهد که از برای رفع حوائج محلی يك اشخاصی تعیین عوارضی بکنند و يك مبلغی معین کنند پس این قسمت را بنده هیچ منافی نمی بینم و هیچ قسم عملی که مخالف با قانون اساسی باشد نمی بینم (صحیح است) حالا ممکن است که بعد هم سر این موضوع با بنده محوره باز بحث بکنیم یعنی مباحثه کنیم نه بحث بمعنی زد و خورد که نه در طبیعت ایشان هست و نه در طبیعت بنده مخصوصاً پس از نقطه نظر اصل قضیه حالا بنده خیال می کنم بموجب این موادی که ایشان تصور کردند ما حق وضع همچو قانونی را نداریم حالا معلوم شد بموجب این مواد که اشکالی نیست و می توانیم همچو قانونی را بگذاریم و در قسمت قانون اساسیش راحت شدیم حالا بیایم سر قانون بلدی ۱۳۲۵ که در سابق (فیروز آبادی - اصل هیجدهم) وضع شده اما لطف آقای آقاسید یعقوب نسبت بان قانون بواسطه این است که آن قانون از قوانین دوره اول است. نیستش آقا؟ خوب ایشان هم از آزادی خواهان و مشروطه طلب های جدی و زحمت کش های مشروطیت بوده اند از اصول و اصول طبیعت آن دوره که دوره واقفاً احساسات پالتی بوده است و دوره قوت گرفتن اساس و قواعد مشروطیت بوده است يك دوره ایست که پیش ایشان نسبتاً از برای ادوار عزیز تر و دل چسب تر است و هر کاری که آن دوره کرده است آن وقت از نظر احساسات ایشان دوست دارند وقتی که شما يك کسی را دوست دارید و علاقه باو دارید هر کاری که او میکند از نقطه نظر دوستی و محبت آن را دوست دارید حالا هم ایشان از نقطه نظر محبت و احساسات معتقدند که بآن قانون نباید دست زد. مثلاً در آن دوره قانون برای وزارت داخله نوشتند که واقفاً نزد هر آدم با عارفی بگذاریم تصدیق می کند که آن قانون تشکیل

و ولایات عملی نیست آمده اند و يك چیزی را ترجمه کرده اند و يك مواد مفصلی راجع کرده اند و اسمش را هم گذاشته اند قانون وزارت داخله عمل هم بهش شد چرا؟ برای اینکه هیچ عملی نبود ولی چون آن دوره کرده است پیش ایشان مثل يك اولاد عزیز یا يك برادر عزیز است که بآن هیچ نباید نظر بشود. این قانون هم گمان میکنم از آن نقطه نظر عزیز است ولی این قانون هم غیر عملی است و بهمین دلیل هم غیر عملی است که تا کنون بان عمل نشده است و بعد هم مرکز در مکرر وزارت داخله يك لایحه تنظیم کرده است حق چندین مرتبه هم آمده بمجلس شورای ملی این مرتبه اولش نیست مسئله بلدی ها چندین مرتبه آمده مجلس شورای ملی و در نظر بود که آن قانون غیر عملی روی کاغذ هست برود و بالاخره يك چیز عملی درست بود که بدر مملکت بخورد و بشود بان عمل کرد بنابر ما این را آوردیم بمجلس شورای ملی و البته آقایان بعد در مواد آن وارد شوند بدون اینکه بگوئیم این يك لایحه بقانون اساسی زد و موادی از قانون ملی را گرفت و قربانی خودش کرد. خیر و بدون اینکه بخوایم در اصل لزوم تغییر آن قانون سابق و آوردن مواد عملی حرف بزنیم و صرف نظر از این کلیات نمیتوانیم در مورد این مواد يك چیزهای مفید و عملی اگر بفرمایند و پیشنهاد کنید تا بالاخره يك عملی کرده باشیم و يك قانون و عملی که بدر بخورد مجلس گذشته باشد (صحیح است) و چون يك قسمت بیاناتشان در حاشیه قضیه بود و فرمایشاتی فرمودند نمی خواهم جوابی عرض کنم و بدون اینکه بخوایم از منم که از بنای این با مطلب داشته است یا ندانسته است آن قسمت نمی خواهم صحبت بکنم ولی طرف دیگر چون يك اظهاری کردند بنده هم يك عرض میکنم. فرمودند که از حکومت ملی باید هائی باقی بگذاریم. انجمن بلدی که نمی خواهم انجمن بلدی که نمی خواهم پس چه باقی مانده؟ آقا مجلس شورای ملی

باقی مانده قوانین باقی مانده است که از این مجلس بگذرد دولتی مانده است که مطابق این قوانین عمل میکند که می خواهد کاری بکند و می بیند غیر از آن چاره ندارد و نمی تواند بقانون سابق عمل کند قانون جدیدی تقدیم می کند و بنای این را میگذازد که با شما بحث بکنند مذاکره بکنند و قانون بگذارند تا آنکه مطابق قانون انجمن بلدی تشکیل بدهد دیگر چرایی انصافی می فرمائید. پس آقا يك حرفهائی را نباید زد. من میدانم که شما این قصد را ندارید ولی دو نفر دیگری که گوش میکنند نگویند که جنبه پروپاگاندا را دارد (آقاسید یعقوب - فارسی فرمائید چه فرمودید؟) تبلیغ شما هم خوب می دانید یعنی این کلمه را خوب میدانید بنده يك آدمی نیستم که الفاظ خارجی خیلی استعمال بکنم ولی شما که بحمدالله این قسمت ها را خوب اطلاع دارید مخصوصاً که فرمودید با حقوقیون صحبت کرده ام بنده خیلی دلم می خواهد این را مرحمت بفرمایند و آن حقوقیون را به بنده هم معرفی کنند که بنده هم بروم پیش آن حقوقیون درس بخوانم عرض کنم که فرمودید با حقوقیون صحبت کردم و می گویند در هیچ جا بانجمن بلدی این حق را نمیدهند نه آقا جان در همه جا این حق را بانجمن بلدی میدهند و حق هم این است که این حق بانها داده شود چرا؟ برای اینکه مالیات يك چیزی است که از تمام افراد مملکت گرفته میشود به تناسب استعدادشان و باید مصرف يك چیزی برسد که بنفع عمومی مملکت باشد ولی عوارض بلدی يك عوارضی است که اهالی هر شهری به تناسب استطاعتشان گرفته میشود برای اینکه این شهر و آن خانه خودشان را تمیز بکنند روشن بکنند يك بکنند هیچ دلیلی ندارد که از يك افرادی که در نقاط مختلفه مملکت در خارج از شهر ها زندگانی می کنند بمباراة اخیری از اکثریت مملکت يك مالیاتهای گرفته شود و آن مالیاتها خرج بنده و آقای خوش نشین در شهر ها بشود که مادلان می خواهد تا يك ساعت بعد از نصف شب هم اگر در نوبت خیابان ها حرکت و گردش می کنیم خیابان

روشن باشد نه هیچ دلیل ندارد که آن دهاتی که باید برود و زحمت بکشد و با فوه بازوی خودش از زیر زمین نان خودش را در بیاورد آن خرج این بشود که بنده و آقا بتوانیم در شهر در خیابانهای وسیع و تمیز و روشن حرکت کنیم. خیر آقا روی همین فلسفه و روی این منطق آمده اند و در هر جا يك تفاوتی گذاشته اند بین آن چیزی که مالیات است یعنی باید افراد مملکت هر کس باندازه استطاعت خودش خودش بدهد برای تأسیساتی که برای مملکت مفید است ضروری است مثل حفظ انتظامات و قشون و تشکیلات قضائی و پست و تلگراف و آن چیز هائی که بدر همه مردم می خورد و هر کس بنوبه خودش میتواند استفاده کند و بدهد يك چیز هائی است که اهل هر شهری باید مخصوصاً بدهند که می خواهند شهرشان تمیز و روشن باشد و سائط نقلیه خوب عبور و مرور بکند آب تمیز بخورند باید خرج خانه خودتان را خودتان بدهید خیابانهای خودتان را هم خودتان پاک کنید شاید يك عده از افراد این مملکت پای شان را توی این شهر نمی گذارند و اگر هم می گذارند شاید هم اهمیت نمیدهند که کوجه و خیابان بچه شکل باشد اما شما که يك مردمی هستید با دل زبیا و دلتان بی خواهد که به نشینید و تماشا کنید و گرد و خاک نباشد آب خوب بخورید و بالاخره همه وسائل زندگی خوب برای تان فراهم شود و هر چه هم برای تان بکنند باز کم تان است و باز بیشتر می خواهید و هر چه می کنند باز میگوئید چرا آن طرف را هم گلدستان نمی کنند چرا يك پارک هم در آن طرف شهر درست نمیکنید شما هم خوبست يك قدری دست در جیب خودتان بکنید و از پول خودتان خرج کنید آنوقت به نشینید و تماشا کنید دهاتی نباید بدهد بنا بر این بهترین ترتیب همین است و این فلسفه تفکیک این دو نوع پولی است که از اهالی مملکت گرفته میشود و آن وقت بهترین ترتیب این است. و خوب حالا از برای

تشخیص اینکه چقدر اصلاً این مردم پول بدعند و چقدر احتیاج دارند و چطور باید مصرف شود يك عده از این اهالی خود آن محل معین میکنند و آنها بدر نظر گرفتن استطاعت و حوائج مردم يك ترتیب قرار میدهند آنوقت این را نباید آمد و گفت روی این اصل کلیه مالیات مجلس شورای ملی اینکار را بکند. مجلس شورای ملی با مقام عالی و ارجمندی که دارد و بجای خودش هیچ است ولی يك قضائاتی است که بهش هم نباید بر خورد ولی باندازه که چند نفر اهل محل در يك جا بنشینند و اظهار نظر بکنند نمی تواند باندازه او اظهار اطلاع بکند گناهای هم نیست. اهل محل بهتر میتواند در آنچه بشوند و رسیدگی کنند. بالاخره بنده تصور میکنم باید مذاکراتی که بطور کلی شد يك قدری در قسمت عمر قضیه داخل شویم و آنجا کنیم در قسمت کلیات بهین اندازه چون مسئله کلیات را ما نباید فراموش کنیم در مذاکراتی که در کلیات میشود و در موافقت و مخالفت هائیکه میشود بکوفت است میگویم من اصلاً با تمام این قانون از اول تا آخرش مخالفم و نباستی بشد آنچه بلدی هم نمیخواهیم آن قانون پیش هم عملی نیست میفرمایند عملی بکنند بنده میدانم چه جور پیشنهاد میکنم برای اینکه قانون پیش که عملی نیست نشود هم بهش کرد آقا بشهادت خودتان مکرر در اینجا فرموده قانون جدید بیاورید این قانون جدید است...

آقا سید یعقوب - قانون جدید عرض کردیم وزیر عدلیه - فرمودید يك قانون... هاهاها

دوره اول بود ببخشید عرض کنم پس اگر ما بکنیم بلدی جدیدی اینجا آوردیم بهتر این است که بیشتر اینها در این قسمتها صحبت نکنیم و وارد شویم در این و در آن قسمت حرف بزنیم در آن موادی که راجع عوارض است آقا بحث بکنند البته مجلس شورای ملی است برای مذاکره کردن است برای مشورت کردن دولت هم هیچوقت این نظر را ندارد که وقتی يك چیز

آورد حتماً همانطور بگذرد این يك پیشنهادی است پیشنهاد را بایستی با توافق نظر آقایان يك صورتی بهش بدهیم بنا بر این در جزئیات صحبت کردن از این است که يك مقدار صحبت خودتان را در بیان صرف کنید آقا يك فرمایشی بکنند بنده يك اینی بکنم آنوقت خدای نخواستہ باعث این بشود که بگم مرتبه تشریف بیاورند و بخواهند به بنده ضعیف و کمالاتی بکنند خوب برای چه؟

دکتر عظیمیا - خیلی ضعیف جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - آقایانیکه موافقتند با او در شور مواد فرماید

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود؛ ماده اول - از اول امرداد ماه سهم بلديهها که از مالیات راه تأدیه میشد باستثنای مبلغی که در ماده مذکور است بر اعتبار راه سازی اضافه می شود تبصره (۱) - صرفه جوئیهای سابق بلديه هر محلی نیز از اول امرداد ۱۳۰۹ اختصاص بلديه همان خواهد داشت تبصره (۲) - صدی دو بودجه ۱۳۰۸ بلديه های دولت که برای اجرت مهندس بلدی تخصیص داده شده است نیز از اول مرداد ۱۳۰۹ آنچه صرفه جوئی میشود اختیار وزارت داخله گذاشته خواهد شد که کماکان مهندسین را از این محل پرداخت نمایند آقا سید مرتضی وثوق (مخبر کسب و بیرون داخله) - اجازه فرمائید مهندسی نیست مهندس است. اصلاح فرمائید رئیس - آقای فیروز آبادی فریروز آبادی - بنده عقیده ام اینست که انسان چه با بلدی یعنی هر مجلسی عقیده ام اینست که چه با دولت

موافق باشد و چه مخالف هر چیزی را که دولت بیاورد اگر خوبست بدون هیچ نظری یعنی نظر مخالفت و موافقتی قبول کند و اگر بد است رد کند و بیشتر خرابی دنیا را بواسطه این می بینم که این نظر در تمام دنیا مراعات نمیشود بکوفت عداوت شخصی مانع يك امر کلی صحیحی میشود یا محبت شخصی باعث يك ضرر کلی میشود و بنده این نظر را ندارم و نداشتم و با هر کسی هم داشته باشد مخالفم در اینجا آمده است در این ماده اول يك حقوقی که سابق بلديهها داده میشد این را تخصیص داده است بر آنها و بعد باید يك قانون جدیدی يك مالیات جدید مجلس وضع بکند و بلديه خرج بکند از آن قانون گرفته شود و بلديه اداره شود اولاً بنده مخالف با این هستم که هر انجمنی خودش بتواند مالیاتی وضع کند چیزیکه بقانون مشروطیت هم میتواند اینست که انجمن میتواند يك مالیاتی پیشنهاد بکند بدوات دولت هم پیشنهاد کند بمجلس و مجلس رأی بدهد و الا خود سرانه اگر بنا بشود هر شهری هر بلدی هر قصبه بنشینند و يك مالیات تازه وضع کنند و روی يك پرگرام و اراده و خصوصیات و عداوت شخصی و محبت شخصی این يك هرج و مرجی میشود و این قانون خوبی نیست باید مالیات کلیه اگر خدای نخواستہ بخواهند مالیات جدیدی وضع شود باید بلديه پیشنهادش را بدهد به دولت و دولت هم بمجلس اگر از مجلس گذشت آنوقت بلديه بگیرد و عمل کند والا خود بلديه حق ندارد ابداً در اصل هیچدم قانون اساسی هم ملاحظه فرمائید که در اینجا بکسی سلب کرده است مالیات گذاری را بجز مجلس شورای ملی و عوارض بلديه هم همین مالیات است در مواد دیگر تصریح میکنند که مالیات و عوارض یکی است دو چیز نیست آری لفظ عوارض هم باشد همان مالیات است پس غیر از مجلس کسی حق ندارد باشملا حظه بنده در این ماده عقیده ندارم که بیابند حقوقی که سابق به بلديهها داده میشد حالا بدهند براه سازی و دو مرتبه تجدید مالیات بنمایند

و تحمیل مالیات بر مردم بکنند بنده مخالفم و اینکه آقای وزیر عدلیه فرمودند که بر دهاتی ها نباید شهرها تحمیل بکنند یعنی آنها مخارج را بدهند و شهرها راحت بکنند این درست است بنده هم موافقم حق هر کسی باید محفوظ باشد این را بنده تصدیق میکنم ولی چیزی حالا بدهانها نمیخواهند پس بدهند همان چیزیکه میگریفتند میگیرند يك چیزی هم اضافه میخواهند از شهرها بگیرند حالا خواهند فرمود که آن چیزی که از دهات آنها میگیرند بمصرف چیزهای دیگر میرسانند و باید از شهری بگیریم و بلدیة برسانیم بنده عرض میکنم بسیاری از چیزها هست که در بودجه ها هست ولی چندان اهمیت ندارد ممکن است از آنها زده شود و به بلدیة برسانید که يك مالیات جدیدی دیگر امروز گرفته نشود بنده باین نظریات که عرض کردم مخالف با این قانون هستم

وزیر عدلیه - بنده کاملاً طرز فکر و احساسات آقای نماینده محترم را میدانم و میدانم که واقعا ایشان (حالا نمیخواهم فرمایشات آقایان دیگر را در ضمن این تکذیب کرده باشم) در مورد ایشان همینطور است که فرمودند از نقطه نظر موافقت و مخالفت اظهاری را نمیکنند مگر از نقطه نظر مخالفت یا موافقت با آن موضوعی که مطرح است منتهی چیزیکه هست اینجا تفاوت سلیقه است تفاوت تشخیص است شما از نقطه نظر مخالفی صحبت نمیکنید و بنده هم چیزیکه اینجا عرض میکنم از نقطه نظر این نیست که بخوام بی ارادتی بکنم اصل هیچدم که بنده قبلاً از برایتان خواندم و بعد هم آمده است تفسیر کرده است روشن کرده است میدانید این قسمت اصل هیچدم که در قانون اساسی است بعد آمده راجع بهمان ترتیبات يك مواد مفسری گذاشته است اولاً با هم شباهتی ندارد ثانیاً آن آمده است اینماده را روشن تر کرده است اینجا بطور کلی مینویسد تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها و رد و قبول عوارض و فروعات همچنین میزهای

جدیده که از طرف دولت اقدام خواهد شد بنفویر مجلس خواهند بود . بنده کاملاً قبول دارم عوارض سرحدی هم جزو عوارض است مقصود این نیست این که نوشته است عوارض محلی عوارض عوارض سرحدی هم میشود پس نباید اینجا ما این اشکال را بکنیم چیزی انصافاً شما بخواهید در قانون اساسی پیدا کنید که صراحة مخالف با این قانون باشد نیست مگر اینکه خیر بخواهید بنشینید تعبیر و تفسیر کنید البته مجلس شورای ملی حق تعبیر و تفسیر قانون اساسی را دارد و الا در این مواد شما بخواهید يك چیزی بر خلاف صریح قانون اساسی بیاورید نیست این را یقین دارم که نیست و باز عرض میکنم همان دور اول هم که آن قانون اساسی را نوشته است حق نوشتن همین عوارض بلدی را هم داده است عرض کنم حالا در قسمتی که راجع باینجا فرمودند که خوبست شما بیایدید و حالا از شهری ها میخواهید بگیرید بنده عرض میکنم که اگر ما این پول را از شهرها بگیریم و از بیرون خودمان فکری نکنید بایستی از دهات آنها گرفت (فیروز آبادی - گرفته شده) آنوقت شما میفرمائید که يك چیز هائی را که در بودجه هست آنها را کم کنید آقا چند روز پیش از این بود که ... بنده میدانم که يك از دستورهای آقا عمل کنیم شما چند روز پیش فرمودید در همین جا وقتی که يك وزارتخانه بود اینكه مقداری از بودجه خودش زده بود بگردد بیرون کرده بود آقا آمدند و فرمودند که چرا اینها بیرون کردید آقا اینکه نمیشود شما هر کاری را میکنید در آن قسمت مخالفت می کنید و حواله می دهید بطریق دیگری وقتی که از آن راه خواستید وارد می بینیم دست مبارك آقا بیرون آمد و فرمودند که حقوق زیاد می گیرند اینها را بیرون کنید و ما باز زده تومانی ها بمانند

فیروز آبادی - خوب متشکرم که متمش را هم وزیر عدلیه - این بود فلسفه آقا يك مثال میزنم فرضاً يك مهندس بیاورند پنجاه شصت تا عمده بیاورند خوب مهندس چقدر می دهد هزار تومان به عمده چقدر بعد روزی چهار قران آقا میفرمائید اینکه خرجش بل دارد زیاد میشود آنوقت می گویند باید مخارج کم کنید اگر بنا باشد از عملیات کم شود آقا باید میگویند چرا این ده تا عمده را بیرون کردید مهندس را بردارید آن مهندس را هم نمیشود برداشت مهندس را بردارند کار نمیشود کرد بنده مدعی شستم که اشتباه میفرمائید اگر هستند کسانی چهار صد حق میگیرند و گاهی هم لیاقت آن آدم بیست و سی تومانی را ندارند ولی آن کسیکه چهار صد تومان بردارند چهار صد تومان را هم دارد آقا وارد ادارات و بدینسان همین اشخاصیکه دارای يك حقوق زیادی هستند می هستند که کار هم میتوانند بکنند شما کاراداری دید و تشخیص این قضیه را بگذارید برای آن که کار اداری کرده اند همچو نیست که واقعا هر یک قدری زیاد گرفت کاری از او ساخته نیست و کسی که کمتر میگیرد يك آدمی است که واقعا نگاهش داشت خیر همانطور که عرض کردم نمیشود مهندس و معمار را بر داشت و شاگرد بنا و اینها آورد بالا زیرا آنوقت نمیتواند کار کند باید اینها حقوق داد تا کار بکنند و شما بدانید و این را در اینمیان میگویم آثار و علائمش را هم از خارج ببینید هر قدر که يك مؤسسانی در خارج پیدا است کسانیکه دارای لیاقتند یواش یواش سعی میکنند در مؤسسات دولت بیرون بروند و بروند در آن مؤسسات کارکنند بنده بشما قول میدهم حالا نمیخواهم بیرون بیرون کنم ولی چندین نفر از اعضاء اداره ما با اینکه باید مانسبه حقوق خوب میدهم با وجود این

در این مدت باصرار و التماس آمدند استعفاى خودشان را بقبولانند برای اینکه بروند در يك مؤسسات دیگر و حقوق بیشتر بگیرند برای چه؟ برای اینکه کار ازشان ساخته است و چرا آن بیست تومانی که میگویند برو و میخواهند خارج کنند آن بد بخت است برای اینکه او اغلب اوقات نمیتواند کار آن آدم را بکند . آخر بنده يك عمر زحمت کشیده ام و يك معلوماتی را پیدا کرده که امروز میتوانم بیایم این جا خدمت آقا با شما صحبت کنم مذاکره کنم با چهار تا کاه خوب و بد کاری را انجام بدهم آقا تصور نفرمائید که به بنده هفتاد و پنجاه تومان میدهند يك آدمی هستم که در هر دقیقه شما میتوانی بگوئید خوب اینکه هفتاد و پنجاه تومان میگیرد سی تا بیست تومانی بیاورید جایش بگذارید کار من را نمیتواند بکند خیر حالا اینجا بنده بشخص خودم مثال زد و البته خوب نبود ولی بطور مثال است عرض می کنم وقتی که بخوایم صرفه جوئی بکنیم بگوئیم آن چهار صد تومانی را باید برداشت نه راه این نیست پس بنا بر این چون این راه عملی نیست این بود که آمدیم يك عدد بد بخت را از برای صرفه جوئی خارج کردیم شما میگوئید بیایند از کجا بزنند آقا مثلاً میفرمائید وزارتخانه در خرج سوختشان صرفه جوئی بکنند خوب اگر با بخاری باشد خرجش زیاد تر است ذغال سنگ و اینها لازم دارد پس کرسی بگذاریم بهتر است با صرفه تر است و این درست میشود و الا از حقوق که بخواهند بزنند که نمیشود و شما نمیگذارید اگر کسی را هم بخواهند بیرون کنند که نمیگذارید پس باید چه بکنیم باید از بودجه مان بزنیم از بودجه هم که نمیتوانیم بزنیم از بودجه که ترانستیم بالاخره نخواستیم بموم مملکت برای مخارج شهر ها تحمیل کنیم ناگزیریم که همین رویه را پیش بگیریم و این پول را هم عرض کردم که ما این را خرج يك کاری میکنیم که خیلی لازم است و آن خرج طرق و شوارع است و

از برای این مملکت يك قضیه خیلی مهمی است و این را گمان میکنم خود آقایان تصدیق میکنند و کاملاً میدانید رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه يك فضیلتی برای برای بنده معین کردند که در دوره اول مشروطیت بنده نماینده بودم خوشبختانه این فضیلت برای خودتان هم بود برای اینکه از دوره اول در يك انجمنی بودم که در خدمت آقای وزیر عدلیه بودیم تا اینکه دوره اول تمام شد در دوره دوم هم در خدمتشان بودم در يك قسمت و انجمن دیگری تا اینکه ایشان تشریف بردند برای تحصیلات اروپا و ما این جا بودیم داخل در همان کار ها ایشان الحمد لله بر گشتند اعلم العلماء و دارای دیپلم حقوق شدند و بنده با اینکه در مسئله حقوق هم که عرض کردم خدمتشان و مدلل کردم فرمودید آن حقوقی کیست که بنده بروم پیش او تحصیل کنم بنده حالا عرض میکنم و بعد تصدیق خواهید فرمود کم کم مطلب را بشما حالی میکنم عرض کنم که قانون سابق و قانون اساسی را شما کاملاً میدانید که بجه خون دلی گرفته شده است و امروز که افتاب تابان است نمیتوان دست از آن برداشت باین سهل و آسانی این یک موضوع موضوع دوم عرض بنده این است که بنده کاملاً در در خدمت آقای وزیر عدلیه در دوره چهارم و پنجم و ششم و هفتم غالباً در کمیسیون بودجه و کمیسیون عدلیه خدمتشان بوده ام نمیخواهم از روی مجاز گوئی عرض بکنم حقیقت و واقع است که وقتی يك مسأله گفته میشود وقتی وقت میکنند و می بینند که طرف واقع را دارد میگوید قدری از آن حرارتشان کاسته میشود و آن تندی که اول داشتند یکدفعه کم میشود مثلاً وقتی که بهشان يك مطلبی توجه داده شود میگویند مقدمات این امر مرا قدری متوجه ساخت خلاصه ایشان شخص منصفی هستند و مصر نیستند در يك مسئله که در کمیسیون یا در مجلس اظهار میکنند که حتماً این خیال من باید پیش برود خیر

برقفا میگویند این است نظر من و میخواهند کار مشورت بگذرد چون بنده کاملاً با ایشان عقیده دارم در این و دانائی خودشان را بشهادت میطلبم الان مواد قانون را بعرضشان میرسانم این دو موضوع موضوع سوء اینک بنده مکرر خدمت شما عرض کرده ام آقا شما آقای وزیر عدلیه هستید شما آقا وزیر داخله هستید اکثریت هم در این دیگر لازم نیست بنده و آقای فیروز آبادی را هر کس ما دو نفر بیچاره را لازم نیست هو کنید اولاً کاملاً میدانید که ما آدم مغرض نبودیم (وزیر عدلیه - البته صحیح است) و امیدوارم که هیچوقت هم مغرض نماند باشیم و در کار های دولت هم بآن اندازه که در این میکنم که برفع مملکت و متضمن منافعی است کاملاً ما هستیم و غرضی نداریم و نباید کلمات و عرایض ما را بر غرض بشود که بنده را میخواهید مثلاً هر کس این اول گفت قانون اساسی یا فلان قانون را در دست میدارد اما آمدیم سر این موضوع عرض کنم که حکومت با اکثریت است این ماده هم که آقایان نوشته اند پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود در این مبنویسید قوانین دیگری که منافات با این قانون دارد ملغی است ملاحظه بفرمائید یک موضوعی را عرض کنم آقای دشتی کجا تشریف بردند اینجا یک قسمت فرموده راجع بعوارض چون آقای دشتی خیلی جنتان هستند (خنده نمایندگان) يك عرایضی عرض میکنم در این هیجدهم توجه بفرمائید مطلب فارسی است اگر بنده نمی فهمم بنده حاضر هم هیچ چیز ندانم بنده خیلی اقتضای دارم در کمیسیون عدلیه هم در خدمت آقای وزیر عدلیه بوده ام همینطور خدمت سایر آقایان اگر چیزی دارم نمی فهمم عیب نیست جاهل اگر تحصیل کند که است اما اگر در جهل مرکب باقی بماند او بد است آن بد بخیر اصل هیجدهم میگوید: تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها و رد و قبول عوارض (دیگر) نمیگوید برای خاطر همان قسمت و فروعات و چنانچه جدیدی که از طرف دولت اقدام خواهد شد بنده

نفری که معلوم نیست خوب آن شش نفر تا چه اندازه وضع میکنند؟ این دو تا مسئله دیگر این است که میگویند عوارضی را که انجمن تعیین میکند یا دولت تصویب میکند دولت تصویب میکند بحمدالله آقای وزیر عدلیه الان حال آدم تمام قوانین را میخوانم (خنده نمایندگان) تازه اینجا آمده است و بدولت حق تصویب میدهد آقا شما خودتان از حقوق دانهای مملکت ما هستید واقفاً من و اهالی مملکت بحقوق دانی شما افتخار میکنیم چرا يك حق مسلمی را از يك قوه میگیرید و بقوه دیگری میدهد چرا این حقی که مال يك قوه است از این قوه در تحت این همه نطق و بیان این حقوق از ما گرفته شود. خوب میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با اکثریت معین خواهد نمود. درست توجه بفرمائید آقای دشتی تشریف نداشتید (یکی از نمایندگان - جایبان خالی بود) در تشریف نداشتن عوارض داخل شد این هم ماده ۹۶ آمدیم سر آن ماده ۹۹ که شاید مثلاً يك ابهامی داشته باشد و میدانم که کاملاً آقای وزیر عدلیه تصدیق میفرمایند که هیچ ابهامی هم ندارد. میگوید: غیر از مواضعی که قانون صراحة مستثنی میدارد (مثلاً بعضی مواردی که ما داریم و بعضی معافیت ها را قائل شده ایم مثل معافیت گمرکی ما بعضی چیز ها را استثنا کردیم لکن دیده اید که بعضی جاها بعضی چیز ها را ما از قانون احتراماً با از جهت نقطه سیاسی مثلاً اموال نماینده های سیاسی که در گمرک وارد میشود اینها چیز هائی است که استثنا میشود غیر از اینها) بهیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باین اسم ها و این اسم ها هم مختص مجلس شورای ملی است وضع قانون وضع مالیات مخصوص مجلس شورای ملی است. این موضوع درست شد. آمدیم این قانونی که در دوره پنجم گذشت که ما آمدیم در اینجا مردم را دعوت کردیم بيك صلاهی عامی که هم راهپانان را شوسه کردیم هم شهرها تان را تمام خیابان

شازنده کردیم ای داد و بیداد بیائید مالیات بدهید مالیات
 باج راه وضع کردیم و يك انبساطی در ملت ایجاد کردیم
 که الان دیگر تمام کارهای ما درست شد آمدیم مالیات
 باج راه را این را هم برایتان میخوانم: «عایدات حاصله
 از مالیاتهای مقرر» باز بین الهالین نوشته شود آقایان
 رجوع کنند بصورت مجلس های دوره پنجم وقتی که
 اعلیحضرت افتخار داشت کابینه بوجود ایشان این لایحه
 آمد بمجلس آن مذاکرانی که خود آقای وزیر عدلیه
 آنوقت در مجلس بودند و وکیل بودند آن نطقهایی که
 در اینجا شد برای گذشتن این قانون و آن قولها و
 وعده ها که بملت دادیم و آن روز نامه هائی که منتشر
 کردیم حالا بد بختانه دیگر شهری شدیم و غلط کردیم که
 میخواهیم يك آب پاکی بخوریم. این مالیات راه عایدات
 حاصله از مالیاتهای مقرر فوق که از طرف وزارت مالیه
 وصول میشود بطریق ذیل تقسیم و بصرف خواهد رسید
 الف - وزارت مالیه اجازه دارد برای وصول و اداره
 کردن این مالیات صدی پنج از کل عایدات خرج نماید
 و هر مبلغ که در بودجه سنه ۱۳۰۴ وزارت مالیه بابت
 مخارج وصول مالیاتهای ملغی شده در این قانون منظور
 شده است از اول فروردین ۱۳۰۵ حذف خواهد شد
 ب - وزارت مالیه معادل مبلغ خالص عایدات سنه
 ۱۳۰۴ بلدی و معارفی و صحیه و خیریه را که بموجب
 این قانون ملغی میشود (که چکارش کردیم ملغی اش
 کردیم و روی تمام ما محتاج مردم آن چیزی که طرف
 احتیاج مردم است کشیدیم ملغی نشد خیر بلکه علاوه
 سه برابر کردیم روی همه چیزمان قرار دادیم برای خاطر
 اصلاح چون اصلاح را همه موافقم) این قانون ملغی میشود
 بمؤسسات بلدی و صحیه و معارفی و خیریه خواهد پرداخت
 و نیز معادل صدی پنجاه مخارج کنونی وصول عایدات
 نواقل بمؤسسات بلدی تأدیه خواهد شد و همچنین اضافه
 بر این از سال ۱۳۰۶ مبلغ هفتاد و پنج هزار تومان
 برای ساختمان خیابانهای مهم شهرها بمؤسسات بلدی میدهند
 و بقیه عایدات عموماً اختصاص بتعمیر راههای فعلی و

تأسیس راههای جدید خواهد داشت. حالا باز
 بین الهالین عرض میکنم که از آنوقت تا بحال این قفسه
 در دل بنده باقیمانده است که يك وزیر فواید عمده آورد
 با يك وزیر و طرق شوارع و اقتصادی حالا بیاید و بگوید
 چند کیلومتر باصلاح آقای دشتی یا چند فرسخ برای
 درست کردیم و راههای کجا مثل راههای آمله دیس
 چه احتیاجی ما داریم و يك صورتی از این راهها
 نماینده های ملت هستیم و ملت ناظر ماست بیایند بگویند
 آقا این مالیات راه این بوده و امسال در تومان مالیات
 راه چند فرسخ راه در آذربایجان احداث شده چند فرسخ
 در جنوب احداث شده است چند فرسخ در غرب
 را که ماندیدیم اگر شما دیدید بنده که ندیده در روز
 هم ندیدم پس در اینجا این قانون بزرگی لایحه نویسد
 نماید از اول بگوید مطابق این ترتیبات قانون
 قانون فلان منسوخ است و بعد ایجاد میشود بلدی
 ترتیب ترتیب قانون این است که بگوید ماده اول باید
 میشود باین ترتیب اینجا وارد میشود يك دفعه در
 اول مالیات را نسخ میکند آنوقت ما نکردیم و این
 ترتیب مینویسد این حقوقی بود که بر حسب این قانون
 آمدیم و بر امتعه خودمان بر اجناس خودمان
 کردیم برای این مسئله حالا این را بر میدارند
 برای راهسازی بنده هم يك صورتی وزیر فرسخ
 شوارع نوشته بود که سه کرور امسال باج کرور
 گذشته اینها را دیدیم صورتش را ولیکن عرض کردیم
 هنوز يك وزیر نیامده است در مجلس و به بیگانه
 ملت بگوید که ما امسال اینقدر موفق شدیم راه را
 ایران ایجاد کردیم که بنده باین چیزها که گفتیم
 دارم باین هم افتخار داشته باشم تا حالا ما ندیده
 راههایی که خود آقای وزیر عدلیه تصدیق کردند
 که بهترین وسیله ترقی از برای ممالک احداث راهها
 و شوسه کردن راههاست این را هم ندیدیم هم بگویند
 راه آهن در خور موسی خراب شده است و از کجا

بی بی در بی انومیل افتاد و برت شد و کی مرد و
 شد و چیزی که می بینم همین وقایع جان خراش
 است که در روزنامه ها می بینم و گمان نمیکند
 روزنامه ها هم غیر واقع بنویسند این هم این قسمت
 حالا این قانون میاید و این ماده ۳ حقوقی را که
 درج قانون ۱۳۰۴ برای بلدیهای ولایات اختصاص
 داده شده بود این قانون میاید این حقوق را از بین
 برد بعد از آن از اینها استثناء میکند هشتصد هزار
 تومان که پانصد هزار تومان برای طهران بنده موافق
 ملت چون پایتخت است و مرکز سلطنت است مرکز
 تخریب است باعث افتخار است کاملاً موافقم هر چه
 بروج کنیم بجهت مرکز همیشه در نظر بنده بوده است و بنده
 موافق با مرکزیم و عقیده ام از اول این بوده است و
 همیشه قائل بمرکزیت بوده ام و هیچوقت بلا مرکزیت قائل
 ندادم عقیده بنده مسلم است و خیلی هم اهمیت باین
 بلده میدهم تا حالا که ما بحمدالله موفق شده ایم و این
 مرد اساسی حاصل شده است و سیصد هزار تومان برای
 بلدهای دیگر ما اگر آقایان اعضاء محترم کمیسیون
 بجهت در نظر داشته باشند سال گذشته بودجه بلدی
 ولایات در نظرم میاید که نهصد و پنجاه هزار تومان
 بودجه بلدی ولایات را قرار دادیم غیر از بلدی طهران
 ای اینکه بودجه بلدی طهران ششصد هزار تومان است
 سال ما آنرا نهصد هزار تومان قرار دادیم حالا اینجا
 میخواهم به آقای وزیر عدلیه عرض کنم بنده دعای
 بی شما هستم و بارش سفید بنده اینقدر بمن حمله نکنید
 بیایند ششصد هزار تومان سیصد هزار تومانش را قبول کردند
 هشتصد هزار تومان محل خلاف است (و نوق-هشتصد هزار تومان)
 ششصد هزار تومان برای اینکه به عقیده بنده این اصول قانون
 سی مارا متزلزل میکند حاضر باین نشود این ششصد هزار
 ان بنده که همیشه مخالف هستم با وضع مالیات این
 از که بعنوان وضع مالیات عوارضی بر مستغلات
 بر آن وضع کنید و این قانونی که بر خورد بیگ
 ل از قانون اساسی میکند و آنرا از بین میرد حاضر

نشوید و چون شما یکی از فائدهین دوره های انقلاب بوده اید
 و خدمات گرانبها کردید در این مسئله حاضر نشوید
 ششصد هزار تومان آقا این بودجه است آقای باستانی شما
 بودید در کمیسیون سابق نهصد هزار تومان با نهصد و پنجاه هزار
 تومان تمام مالیاتی که از این محل ما بشهرها تقسیم کردیم
 این بوده است سیصد هزار تومان را که شما قبول میکنید
 الان بدهید الباقی ششصد هزار تومان بیایید در تحت يك
 ماده بنده هم موافقت میکنم چرا برای همان نکته که
 عرض کردم اصل این مواد قانون اساسی است. این است
 نظریات بنده. حالا بنده این عرایض را حضوران عرض کردم
 مطالعه بفرمائید اگر قابل توجه است این را در نظر بگیرید يك
 قانون علیحده هم در روزنامه دیدم قانون مستغلات را دولت
 میخواهد تجدید نظر بکند در آن قانون مستغلات مثلاً وضع
 عوارض نسبت باشیائی که غیر محتاج الیه عامه است بر ضرر
 جامعه است وضع عوارض بر آنها بشود همانطور که
 تمام دنیا کردند و این مبلغی را که ما اختصاص داده ایم
 برای راهسازی تأمین شود دیگر این اصل را متزلزل
 نکنید این است عرض بنده و حکومت هم با وجدان
 يك آقایان است
 وزیر عدلیه - بنده خیلی با احتیاط صحبت خواهم کرد
 خیلی ملایم فقط چون ناچار هستم صدایم طوری باشد
 که همه بشنوند اینست که تا این اندازه ها کمتر نمیتوانم
 صدایم را آهسته کنم برای اینکه میفرمایند بمن پیر مرد
 حمله میکنند. خیر. دلایلی که آوردند آقا رو بهمرفته تکرار
 دلایل سابق است برای اینکه میفرمایند بموجب اصل
 هیجدهم قانون اساسی که میگوید تسویه امور مالیه
 جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها ورد و
 قبول عوارض و فروعات این بایستی بمجلس بیاید و شما
 این کار را نکرده اید. بنده عرض میکنم که دلایل سابقم
 را در نظر بگیرید که در مقابل آقا عرض کردم این توضیح
 را هم که حالا اگر نظر بر این شد که باید قانون را
 تغییرش بدهیم تغییرش میدهیم و اگر معلوم شد مخالف

نیست که هیچ در اینجا چه میگوید میگوید: همچنین رد و قبول عوارض و فروعات همچنان میزبهای جدید که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهد بود خود این قانون بتصویب مجلس است اینجا نگفته است بموجب قانونی که از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد میگوید بتصویب مجلس است مجلس امر و می آید تصویب میکند که بلدی به این کار را بکنند انجمن بلدی این کار را بکند علاوه بنسبه سابق هم خدمتتان عرض کردم یعنی در مذاکره قبلی که بطور اختصار خدمتتان کردم که در قانون بلدی ها همان قانونی که آقا از بس حمایت میکردید بالاخره در قانون همان مجلس اول که قانون اساسی را نوشته است این حق هست ضمناً برای اینکه وقتی وظایف انجمن بلدی را معین میکند میگوید خامساً تعیین مقدار فروعات و عوارض که برای مصارف بلدی از اهالی شهر گرفته میشود یعنی چه؟ عجب شما تفسیر را بد میکنید یعنی قانون اجازه میدهد بلدی که عوارض را بگیرد و تعیین آن عوارض را انجمن باید بکند و الا آقا چطور مجلس بیاید قانون و مالیاتش را معین کند ولی مقدار عوارض را انجمن بلدی معین کند یک حقی بموجب قانون میدهند با انجمن بلدی و آنوقت انجمن بلدی میآید معین میکند که چه میزان باید بدهند علاوه باز در جای دیگر میگوید تعیین مقدار عوارضی که باید مردم از بابت استفاده از راههای اطراف شهر و پلها و معابر و سلاخ خانه ها و لوله های مجاری آنها و زیر آنها که بخرج شهر ساخته شده است بدهند همچنان تعیین مقدار حق الارضی که باید شرکتهای کشتی رانی و صاحبان کشتی از بابت اسکله هائیکه ساخته شده است بدهند دیگر اینجا آن قسمت در قانون نیست پس بنا بر این در خود آن قانون هم که می بینید این حق وضع عوارض و تعیین عوارض شهری را آنجا هم داده بنا بر این بنده در این قسمت مخالفت این قانون و تنافیش با قانون اساسی دیگر نمیخواهم عرض بکنم. اما راجع باین قسمت آخری که پیشنهاد فرمودید خوب این تفاوت معامله که بیش از

ششصد تا نیست میفرمائید سیصد تا را قبول کردید پس تا را هم بیائید و بیفزائید مالیات معین کنید اولاً این ششصد هزار تومان را شما تمام این مملکت تفریق بکنید علاوه آن چیزهاییکه از بابت مستغلات و اینها عاید بلدی ها میشود میخواهید بلدی های شهرها بکنند بکنند بالاخره شهرهای دیگر هم یک سر و سوزنی پیدا کنند؟ آخر شما اینجا را می بینید یک کارهایی که است جاهای دیگر اینطور نیست کاری نشده است میخواهد کاری بکنند آنها یا نه؟ اگر میخواهید کاری بکنند این ششصد هزار تومان را هم بدهید میسر بجائی هم مجبور بودیم بیائیم یک مالیاتهای بیشتری وضع کنیم آنوقت بیش از ششصد تا بشهرها بدهیم یا اینکه بگذاریم هر محلی باندازه استطاعت و حوائج خود این کار را بکنند پس عبارت آخری این ششصد تا نیست از برای تمام این مملکت که ما بیائیم آنرا بکنیم باید یک مبلغ بیشتری گرفته شود و این را ما دانستیم بگذاریم برای شهرها هر شهری باندازه استطاعت خودش این کار را کرده باشد. علاوه بر این بالاتر و مهمتر از این مسئله دیگری هست که بنده آنرا میخواهم بخاطر آقایان بیاورم آن مسئله (کار راه سازی) خیر آن مسئله تربیت اخلاقی اهل بلدی است اینرا فراموش نفرمائید که اگر بنام اهل بلدی خودشان یک پولی بدهند و بدانند صرف چه کاری بشود بدانند اگر بیشتر دادند مخارج بیشتری برایشان میشود اگر کمتر دادند مخارج کمتری میشود خیلی تفاوت دارد و در همین کارها در سابق وقتیکه دولت مرکزی هم هیچ کارهایی نکرد خود مردم میآمدند یک عوارضی میدادند و معارفشان خودشان درست کردند بلدی شان را خودشان بکنند صورتی میدادند بندر پهلوی همینطور و هر قدر میدادند که بهتر و قشنگتر میشود بیشتر تشویق میشدند و شما بیائید از همین بندر پهلوی یک عوارضی بگیرید که صرف بشود برای شهر شیراز با همه اهمیت که در مملکت ایران دارد زورشان میآید پس باید اهالی هر محلی

پیشنهاد میکنم تبصره ۲ حذف شود:

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

پیشنهاد می نمایم اول ماده اول بترتیب ذیل اصلاح شود از اول امرداد هذمه السنه الی آخر در تبصره دوم هم

قبل از ولایات نوشته شود ایالات

[۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - چند نفر از آقایان پیشنهاد ختم جلسه کرده اند (صحیح است) جلسه آینده آقای وزیر عدلیه جلسه آینده را چه وقت ضرور میدانند تشکیل شود

وزیر عدلیه - چون وقتمان خیلی کم است و از اول امرداد ماه باید این قانون را اجرا کنیم اگر آقایان موافقت میفرمایند جلسه روز سه شنبه باشد دکتر عظیمی - پنجشنبه

رئیس - جلسه آینده روز سه شنبه پس فردا سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه این قانون

[مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد]

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

در طبع شماره ۱۲۱ (مذاکرات مجلس) ۳ فقره اشتباه

رغ داده که تصحیح آن لازم است

صفحه	ستون	سطر	غلط	صحیح
۱۹۹۹	۱	۷	شرائط حاصل باشد	شرائط خاصی باشد
۲۰۰۹	۱	۲	بعداز ۲۴ مشروطیت	بعداز ۲۴ سال مشروطیت
۲۰۱۰	۲	۲۹	بدهیم	بدهیم